

شمس لنگرودی - از "رفقار تشنگی" که بگذریم - سه کتاب شعر چاپ کرده است: "درمهبتابی دنیا ۱۳۶۲" "خاکستر و بانو" ۱۳۶۵ "حسن ناپیدا ۱۳۶۷". که با توجه به تاریخ چاپ هر سه مجموعه و شعرهای آن، می‌توان آنها را به عنوان یک مجموعه شعر به حساب آورد، به ویژه آنکه شاعر در مجموعه‌های بعدی، دست به تجربه تازه‌ای هم نزده است و همین نکته مرا به بررسی هر چند احمالی شعرهای هر سه کتاب ناگزیر می‌سازد.

شعرهای این سه مجموعه در مقایسه با هم به چند دسته تقسیم شدنی است.

۱ - شعرهای موفق - الف - از " در مهبتابی دنیا": برهنه و مرواید ص ۱۶ "ب- از "خاکستر و بانو": "خاکستر و بانو ص ۷ تا ۳۴" مجسمه‌ها ص ۴۵" سه شعر برای یک دختر گنگ ص ۵۵ تا ۵۶. ج - از " جشن ناپیدا": "برندگان بازگشته‌اند ص ۱۰۰" در سایه جاقو ص ۱۱۷" "از سوراخ کلید ص ۱۳۸" روزنامه‌ها ص ۱۴۰".

شعرهای شمس لنگرودی - به ویژه ۹ شعر مورد نظر من با تحریرهای عمیقاً شخصی سروده شده‌اند بدین معنی که شاعر با محیط ذهنی شعر خود بیگانه نیست و به بیان دیگر شاعر در همه حال به طبیعت احساس خود وفادار می‌ماند و این وفاداری، شعرش را از پیچیدگیهای مصنوع باز می‌دارد و در همین معنا با شعر فروغ قابل مقایسه می‌شود. تاکید بر همین ویژگی، ضعف پاره‌ای از شعرهای او را لااقل در برخورد نخست پنهان می‌سازد. این ویژگی - وابستگی به طبیعت احساس - وقتی که لحظات شعر او برآمده از درک و دردی عمیقاً اجتماعی است، صفت مشخصه شعری می‌شود که حذف آن از مجموعه شعرهای شمس لنگرودی - چهره شاعری او را سخت پریده رنگ می‌سازد. "ستاره شفاف! - برمی‌شوی - یا فرو می‌آیی؟ - ترنم نمناک! - زمزمه شبنمی - با ترانه باران عصر؟ (خاکستر و بانو ص ۷ و ۸). پسری غایب و مادری شکسته که سنگ ستاره‌های سوزان را بر دوش می‌کشد، بانویی رنگ باخته در آستانه گرگ و میش. دستی که دراز می‌شود - عشق و طلب - و تهی باز می‌گردد - خاکستر و بانو. - "تو چرا نمی‌آیی؟" ... "خاکستر و بانو" شعر بلند شمس، ضحّه - خاموش مادری است که با گل‌های آفتابگردان به هرسو خم می‌شود و بوی عزیز از دست رفته‌اش را از وزش هر نسیم می‌شنود و در این چشم براهی به حرکت گل و گیاه و پروانه و نسیم شک می‌کند.

- "چه اتفاق افتاده است" احساس نیرومند شاعر و بیان غیر مصنوع او - مونولوگها،

مروری کوتاه بر سه مجموعه شعر شمس لنگرودی

کشش تصاویر و جوشش عاطفی واژگان

علی باباجاهی



صحنه بردازی‌ها و ... خاکستر و بانو را علیرغم آسیب پذیریهایش، به عنوان شعری در خور اعتنا و شاید ماندگار مطرح می‌کند. کشش تصاویر و جوشش عاطفی واژگان (تلقی تازه) طرح این صفت‌ها را برای شعر او موکد می‌سازد: - "چه نعره‌ای می‌زند این گاو سپید پیشانی - چه پای می‌کوبد - این آبشار - بر این کوهسار - تا کی جاری خواهد بود (خاکستر و بانو ص ۲۱) در خاکستر و بانو شاعر تصمیم نمی‌گیرد تا با خلق تصویرهای تازه، خواننده را شگفت زده سازد بلکه تصویر گاهی از بین مونولوگهای شعر سر بر می‌آورد: - "قدری کنارتر بمان پسر - هیچ اعتمادی به این سقف ترک خورده شیشه‌ای نیست (خاکستر و بانو). در این شعر لایه‌های درونی تصاویر را، ریتم تداعی‌های حسی تشکیل می‌دهد. و جوهر تخیل به ظرفیت تصویری زبان می‌افزاید و شعر هیچگاه به تصویری بودن خود فخر نمی‌فروشد فقط نیاز گریز نا پذیری به سادگی زبان تصویر دارد:

- "اما تو - بالت را باز نکردی - کفشت را پوشیدی - و مثل گوزن کوچکی از من دور شدی (خاکستر و بانو ص ۲۴).

آنچه "خاکستر و بانو" را قابل دفاع می‌سازد نه عنصر ایجاز است که به انتظام اندیشه و احساس و به جهت تصاویر یاری می‌رساند و نه معماری و ساختمان و شکل احتساب ناپدید شعر است بلکه جوهر تخیل و احساسی نامنظر که اندامهای شعر - منطبق با فضای ذهنی پرسوناژ (مادر) را به هم مربوط می‌سازد، شعر را طبیعی و تازه و برجسته و قانع کننده‌ی جلوه می‌دهد، به شکلی که طرح مکانیسم‌هایی مثل وزن یا بی‌وزنی و مسابلی از این دست را به تاخیر می‌اندازد، چرا که شعر به نحوی ضریان حسی و ریتم درونی خود را فراهم می‌آورد: "تابستان پیرو خسته پای درخت سیمی رخت سفر می‌بندد - و میوه‌های زیر درختی را درخورچین می‌گذارد - پهلوان خسته چقدر تنها مانده‌ای ... (خاکستر و بانو ص ۱۰) آنچه در خصوص خاکستر و بانو گفته شد در مورد "سه شعر برای یک دختر گنگ" نیز قابل تعمیم است. در خاکستر و بانو با مونولوگهای بانویی سوگوار روبرو می‌شویم و در اینجا دختری گنگ، مرکز عاطفی سه شعر بهم پیوسته است. بافت اومانستی این شعر، آرامشی دروغین به خواننده نمی‌دهد بلکه این مضمون زمینی، بر بستر ادراک و احساسی واقعگرایانه، شرایط لازم را برای درک یک شعر نسبتاً برجسته فراهم می‌سازد. شاعر در "سه شعر برای ..." بطور ارادی به مکانیسم شکل و محتوا، جهت برجسته کردن شعرش رو نمی‌آورد، بلکه عناصر

درونی این شعر، در تجربه او جذب و متمرکز می‌شوند چراکه " شعر بیان جهان معنوی فرد است که عقاید روزگار وی را تنها پس از آن که در تجربه فرد جذب و متمرکز شدند، نشان می‌دهد (و) اگر شعر، شعر راستین باشد، مسأله شکل و محتوا را خود حل می‌کند". در عین حال مکانیسم‌های فعال این شعر در طبیعی‌ترین حالت آن به طریق زیر قابل درک است:

— تازگی تصاویر: (حرف تازه) — تصاویر متکی به ادات تشبیه نیست و کمتر حالتی قراردادی دارد:

" جهل کودک در جانش همهمه می‌کنند و او بدخاموش کردنشان مشغول است (خاکستر و بانو ص ۵۱)

— عینی کردن تصاویر: "انگار دست کودک گریانی را — از دامانش جدا می‌کنند — که سخنان ما را دریا بید (خاکستر و بانو ص ۵۵)

— تداعی‌ها مقید به جوهر سادگی بیان شعرند: " با این همه — دفتر مشقت را پنهان نمی‌کنی — از خاطره و خیابان سخن می‌گویی — که قهرمان یگانه‌اش تویی (۵۴ ص) — از آنجایی که ۷ شعر دیگر لنگرودی — به لحاظ عرضه احساس و ساختار درونی — در درخت نازلتری از "خاکستر و بانو"، و " سه شعر برای ... قرار می‌گیرند از اشاره به اجزاء آنها خودداری می‌شود فقط ذکر این نکته ضروری است که در این میان دو شعر " محسمه " از مجموعه خاکستر و بانو و "سحقا قکاها" از جشن ناپیدا برجستگی ذهنی و زبانی بیشتری دارند. علاوه بر این شمس، شاعر پاره‌های درخشان نیز هست.

یافت طبیعی و تازه زبان و مکانیسم نسبتاً فعال تخیل و اندیشه، این برجستگی را پیشنهاد می‌کند، از سویی یافت تغزلی تخیل و اندیشه لنگرودی جهت عمومی شعرهایش را — انسانگرایی — برجسته‌تر می‌سازد، بی‌آنکه شعر او کوششی برای سیاسی شدن از خود نشان دهد چراکه " اثر ادبی آکنده از مفاهیم صرف سیاسی، صرف نظر از میزان اهمیت موضوع آن، در خواننده اثر نمی‌گذارد، به این معنی که (شاعر) به‌حالی‌آن‌که اثر خود را با جریانی از تصاویر درخشنده و پیوسته غنا ببخشد، تصاویر هنری خود را به صورت توده‌ای ناهمگن گرد آورده باشد.

" — مرغان اسیر — پاره‌های جگر خویش را — بر شعله بالشان طعامی می‌کنند (در مهتابی دنیا ص ۲۳). " پرنده‌گانی می‌روند — پرنده‌گانی می‌آیند — پرنده‌گانی خاموش می‌شوند — بی‌زخمه سکوت و بانگ نا به گاه نوایی — بر رودخانه جاودان پرنده‌گان (خاکستر و

بانو ص ۳۷) و ۰۰۰۰

۲ — شعرهای متوسط: این دسته از شعرها و همچنین شعرهای ضعیف لنگرودی به دلیل حرکت کند تصاویر و مصرف غیرمقتصدانه واژه‌ها و ۰۰۰ زیر این عنوانها قرار می‌گیرند:

الف — از " در مهتابی دنیا: " اشعار تاریکی و برف ص ۴۶ و ص ۵۱ " مور ص ۳۵ " اشیا مرده ص ۳۶ " و ۰۰۰ — از " خاکستر و بانو " رود ۴۶ " برگ ریزان ص ۴۳ " " بهار ۵۹ " برای بسی سبب گفتاران ص ۶۱ " مه ص ۶۵ " در بن رودخانه ص ۶۷ " ج — از " جشن ناپیدا: " پرنده — عطراگین ۵۹ " درسنگ سوزنده ص ۶۱ " دریا، گل سرخ ۷۴ " کتابی را ساز می‌کنیم ص ۹۰ " بامدادان و عطر پرنده‌گان ۱۲۲ " و ۰۰۰ " مردگانی مرا ۱۲۵ "

۳ — شعرهای ضعیف: الف — از " در مهتابی دنیا: " اشاره ص ۹ " " پیدا ص ۱۴ " هوای سحر ص ۲۳ " و ۰۰۰ ب — از " خاکستر و بانو: " باور ص ۳۸ " جادو ص ۷۰ " ج — از " جشن ناپیدا: " شعر ناگهان ص ۱۳ " پسر ص ۱۹ " می‌نویسم ص ۳۱ " و ۰۰۰

با این حساب شمس لنگرودی در این سه مجموعه صاحب ۹ شعر قابل اعتنا چند شعر متوسط و تعدادی شعر ضعیف است و از بین ۹ شعر مورد اشاره، سه شعر از مجموعه " خاکستر و بانو " قابل درنگ بیشتری است. صدمه پذیری شعرهای متوسط و ضعیف لنگرودی را در سطور بعدی — در حد اشاره — متخصّص خواهیم کرد. اما پیش از آن، اشاره به تاثیر پذیری‌های شمس لنگرودی از چند شاعر نیز، به نیت درک و تعیین ظرفیت‌های شعری و حساسیت‌های او ضروری به نظر می‌رسد.

الف — تاثیر پذیری از شاملو —

— " پرنده‌ای در دهانم — پرنده‌ای در جشانم — سرشار باغ و پرنده‌گان منم (جشن ناپیدا ص ۱۲۳) " — " چراغی به دستم — چراغی در برابرم — من به جنگ سیاهی می‌روم. (شاملو، باغ آینه ص ۱۰۵) " — بافت و ریتم شعرهای شاملو را تداعی می‌کند:

" از آن سبب که دلم را به آتش اندر فگنی (در مهتابی دنیا ص ۳۰) " — " بر اراهه نیلوفران ماه را می‌برند (در مهتابی دنیا ص ۱۶) " — " اراهه‌هایی از آن سوی جهان آمده‌اند — بی‌غوغای آهن‌ها (شاملو، باغ آینه ص ۵۲) " —

ب — تاثیر پذیری از فروغ فرخزاد — " جقدر تنهایی سخت است، آه (خاکستر و بانو ص ۱۴) " —

— جقدر بی‌تو سر بردن دشوار است. (خاکستر و بانو ص ۱۳) " —

— جقدر تاریکی بد است (خاکستر و

بانو ص ۱۳) و نگاه کنیید ص ۱۶، ۱۸، ۱۰۱، ۷۱ و ۰۰۰ (خاکستر و بانو)

— جقدر دور میدان چرخیدن خوب است

— جقدر روی پشت بام خوابیدن خوب است (فروغ فرخزاد، ایمان بیاوریم به آغاز فصل سرد ص ۶۷)

ج — تاثیر پذیری از سهراب سپهری

— پلک‌هایت را در من بتکان — جینی خوابم در صبح حضور تو — ترک برمی‌دارد (خاکستر و بانو ص ۳۴ و ۳۵) و نگاه کنیید ص ۳۹

— به سراغ من اگر می‌آیید — نرم و آهسته بیایید مبادا که ترک بردارد — شیشه نازک تنهایی من (سهراب سپهری حجم سبز ص ۳۶)

د — تاثیر پذیری از لورکا —

— " یسرم بین چه کسی به در می‌گوید؟ — در باز است پدر — (جشن ناپیدا ص ۱۹) " — " کودگان زمین چیست — این درخشش سوزان نابهنگامی‌ها؟ — نفس زنی گرسنه و عریان است که ۰۰۰ (در مهتابی دنیا ص ۱۶) " — " توجه می‌فروشی — دختر غمگین سینه عریان؟ — من آب دریاها را — می‌فروشم آقا (لورکا، ترانه شرقی و اشعار دیگر، ترجمه احمد شاملو ص ۷۴)

آسیب‌شناسی شعر شمس لنگرودی

همینگوی در نصیحت به نویسنده‌های جوان می‌نویسد: " هر چه مطلب لعنتی‌ات را بیشتر قیچی کنی رمان لعنتی‌ات بهتر خواهد شد. " به نظر می‌رسد که قیچی مورد نظر دم دست شاعر قرار ندارد.

۱ — عدم رعایت ایجاز.

الف — " بانوی شعله‌های ابد — جنگت را بردار — و ترانه‌های شگفت را ساز کن — بگذار تنهای جهان — گرداگردت دو زانو بنشینند — بگذار ۰۰۰ " (نزدیکتربیا — جشن ناپیدا ص ۴۶)

ب — در همین شعر — نزدیکتربیا — (۴۳ تا ۵۴) نمونه‌های زیادی از توضیح و تعریف (به جای ایجاز و اختصار) دیده می‌شود.

ج — در این شعر محتوا و یا حرکت عناصر درونی زمینه‌هایی برای طولانی شدن ندارد.

د — می‌توان به آسانی قسمتهایی از این شعر را کنار گذاشت.

ه — می‌توان جای بعضی از پاراگرافها را باهم عوض کرد.

و — ترجیح (من دیگر آوازی ندارم) کاری را در جهت ارتباط پاره‌های شعر و یا بیدار و برجسته‌تر کردن تصویر، احساس و یا تداعی‌های خاصی انجام نمی‌دهد.

ز - از کدام نقطه درد و یا عشق این همه حرف و سخن منتشر می‌شود؟
۲ - شعر معاصر این مرحله زبانی را پشت سر گذاشته است :

رمانتیسیم موجود در مصراعهای زیر و یافت جملات که مقطع سبری شده‌ای را در شعر تداعی می‌کند موید این نکته است .
"سوسوی اخترکی معصومی تو - در بیرحم ترین شبان زمستان - ظلمات شبی بی پایانم من - واژگون شده در صبر و تمنای خویش ... (۳۲ و ۳۳)"

۳ - درست است که "پاز" می‌گوید: "همه" اشعاری که ما می‌سراییم ترجمه‌اشعاری دیگرند اما این بدان معنا نیست که سروده‌های بیک شاعر برای خود دارای فردیتی نباشد . مثلاً " بعضی از شعرهای لنگرودی باز نویسی یکدیگرند (نگاه کنید ص ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴) و صفحات (۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴ و ۱۱۵)"

۴ - تجسم واقعیت - تصویری و یا ... - به گزارش واقعیت - گزارش مستند - تبدیل می‌شود ، تا جایی که طنز مورد نظر شاعر جذب شعر نمی‌شود و در کنار شعر باقی می‌ماند :

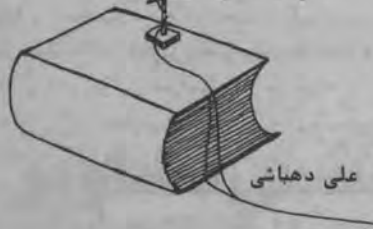
" آسبده سر به خیابان می‌تازد و جایش را در صف روغن پیدامی‌کند - پیروزمستند و گشاده بازو - با چهار شانه تخم مرغ از پله‌ها بالا می‌آید (ص ۹۵)"

۵ - به نظر می‌رسد که در غالب موارد شاعر ، یک شعرش را به چند شکل می‌نویسد ، البته نه بدان معنا که یک فکر خاص در چند شعر منتشر شود و در حالات گوناگون اشکال گوناگونی به خود بگیرد : " من - لب به سخن نمی‌گشایم - که ترا - در قلبم - به ابدیت‌های ناشناخته باز برم - لب به سخن نمی‌گشایم - که برای همیشه با تو بمانم (۴۴)"

" دست در دست بگذارم و گرمای حقیقت را زیر انگشتانم حس کنم - تن پوشت را آورده‌ام - که راز حیات - از غوغاییان در پرده بماند ... - مراد آنکه ترا می‌جویم - می‌خواهم صدای ترا بشنوم (۶۶)"

- ۱ - آرتور گویتلر ، درباره ادبیات ، ترجمه احمد میر علایی ، زمان ص ۴۹
- ۲ و ۳ - مصراع‌های از خاکستر و بانو
- ۴ - ل . انیسکی به نقل از فردیت خلاق نویسنده ، خرابچنگو ، ترجمه نازی عظیمیا .
- ۵ و ۶ - لونا چارسکی ، درباره ادبیات ص ۶۰ و ص ۵۲
- ۷ - برای رعایت اختصار ، نمونه‌ها را فقط از " جشن ناپیدا " آورده‌ام .

اخبار کتاب



علی دهباشی

ریخت شناسی قصه

کتاب " ریخت شناسی قصه " در سال ۱۹۲۸ در لنینگراد نوشته شد اما تا سال ۱۹۵۸ گمنام ماند . از آن پس این کتاب به همه زبانهای زنده دنیا ترجمه شده است و آن را یک مرجع کلاسیک می‌شناسند . در این کتاب ولادیمیر پراب به بحث درباره ساختن قصه عامیانه و بخصوص قصه جن و پری می‌پردازد و فرمول جامع همه قصه‌های جن و پری را ارائه داده و به اثبات می‌رساند که همه قصه‌های جن و پری در سراسر جهان از الگوی واحدی پیروی می‌کنند . این کتاب را م . کاشیکر به فارسی ترجمه کرده است و انتشارات روز در دست حروفچینی دارد .

یونانیان

ترجمه کتاب " یونانیان " اثر کیتو توسط سیامک عاقلی به پایان رسیده است و بزودی حروفچینی آن توسط نشر گفتار شروع خواهد شد .

" یونانیان " یکی از کتابهای ماخذ و مرجعی است که درباره تمدن و تاریخ یونان نوشته شده است . از این کتاب بیش از ۱/۵ میلیون نسخه در جهان به فروش رسیده است .

نامه‌های جمال زاده

حروفچینی جلد اول " نامه‌های سید محمد علی جمال زاده " آغاز شده است . جمال زاده در طی شصت سال دوری از ایران ارتباط فرهنگی و ادبی خود را از طریق مکاتبه با نویسندگان و هنرمندان ایران حفظ کرده است . نامه‌های جمال زاده از ارزش ادبی خاصی برخوردار است . محتوای این نامه‌ها غالباً نقد و بررسی مسایل ادبی و تاریخی است .

این مجموعه به کوشش علی دهباشی و زیر نظر جمال زاده منتشر می‌شود . جلد اول نامه‌ها شامل نامه‌های جمال زاده به نویسندگان زیر است :

جلال آل احمد - مهدی اخوان ثالث - انجوی شیرازی - یوسف ایزدی - محمد ابراهیم باستانی پاریزی - رضا براهنی - ایرج پزشکزداد - شیده نامی - محمود حقیقی - سیمین دانشور - محمود دولت آبادی - علی دهباشی - محمد دبیر سیاقی - ولی الله درودیان - حلال ستاری - محمد حسین شهریار - علی اکبر صنعتی - سیروس ظاهبان - مصطفی علی احمدی - ابراهیم فخرایی - احمد محیط - غلامحسین یوسفی .

مصدق ، ناسیونالیسم ایرانی و نفت

در سپتامبر ۱۹۸۵ سمینار دو روزه‌ای تحت عنوان " مصدق ، ناسیونالیسم ایرانی و نفت " در مرکز مطالعات خاورمیانه دانشگاه آستین تکراس تشکیل شد که در آن جمعی از صاحب نظران ایرانی و خارجی سخنرانیهایی درباره ملی شدن صنعت نفت ، حکومت دکتر مصدق و کودتای ۲۸ مرداد ایراد کردند و وقایع مزبور از جنبه‌های مختلف تجزیه و تحلیل شد . مجموعه این سخنرانیها که نخستین پژوهش جدی و علمی درباره رویدادهای تاریخ معاصر ایران و زمینه‌های انقلاب اسلامی است به وسیله آقایان جیمز بیل و راجر لوییس گردآوری و در اوایل سال جاری در کتابی به نام " مصدق ، ناسیونالیسم ایرانی و نفت " از طرف انتشارات توریس در لندن انتشار یافت . این کتاب توسط آقایان عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات در دست ترجمه است و حروفچینی آن همزمان با ترجمه آغاز شده است .

فرهنگ قصه‌های عامیانه ایرانی

هفت سال است که علی اشرف درویشیان و منوچهر کریم زاده برای تحقیق و تالیف دائرةالمعارف " فرهنگ قصه‌های عامیانه ایرانی " می‌کوشند . این فرهنگ با عناوین زیر آماده شده است . بخش اول تحقیقی در مورد ادبیات عامیانه و ادبیات عامیانه تطبیقی . بخش دوم قصه‌های عامیانه که به ترتیب حروف الفبا آورده شده و شامل الف : مشخصات قصه ب : خلاصه قصه . ج : نمونه نثر قصه است . این فرهنگ ابتدا بنا بود در ده جلد و هر جلد در حدود ششصد صفحه جاب و منتشر شود . اما به لحاظ مشکل کاغذ و خرج فراوانی که داشت امکان انتشار وجود نداشت . بر همین اساس تصمیم گرفته شد به جای آوردن متن کامل هر قصه ، فقط نمونه‌ای از نثر آن آورده شود . به خصوص اگر با نثری کهن نوشته شده باشد .